



فایل در ادبیات فارسی

۶

نگاهی در باره کلبله و دمته

در قسمتهای سابق این گفتار دیده شد که فرنگی‌هایی که در زمینه فایل و تاریخ آن زحمات بسیار کشیده و آن همه تحقیقات بعمل آورده و کتابها و رساله‌ها و مقاله‌ها نوشته‌اند، معتقد شده‌اند که فایل‌هایی که به ازوبی فایل سازی یونانی قدیمی، نسبت داده‌اند بر کتاب «کلبله و دمته» از احاطه تاریخ قامت دارد. بدیهی است که این نوع داورها عموماً نسبی است یعنی هیچ معلوم نیست که روزی استاد و آخا، تازه دیگری بدست آید که موضوع را بصورت دیگری جلوه گر سازد. اساساً حتی شنیام شاه است که شاید کلبله و دمته را خود پرزویه ساخته باشد، برای انتباه هموطنانش که در آن دوره از سلطنت ساسانیان دچار تنزل و انحطاط اخلاقی و فساد و ناسامانی گردیده بودند. در کتاب «تاریخ ایران بعد از اسلام» تألیف استاد دکتر عبدالحمید زین کوب (تهران ۱۳۴۳ صفحات ۱۷۶ بعد) پس از آنکه از علل واقعی سقوط ساسانیان شرح مفصّلی میخوانیم و مثلاً از زبان ایشان می‌شنویم که «سقوط ساسانیان البته از ضربت عرب بود لیکن در واقع از نیروی عرب نبوده و چیزی که مخصوصاً آنها را از پای در آورد غلبه ضرف و فساد بود و میتوان گفت که مقارن هجوم عرب ایران خود از پای در آمده بود... و در چنان حالی بی آنکه معجزه‌ای لازم باشد هر حادثه‌ای ممکن بود آنها را از پای در آورد». زین کوب درباره علل انقراض و انحطاط ساسانیان مطالب گرانقدری آورده است که هر چند مستقیماً با موضوع ما ارتباط ندارد ولی ذکر آن البته

آقای استاد سید محمدعلی جمالزاده. از نویسندگان دانشمند و صاحب نظر معاصر

بی‌فایده نخواهد بود می‌گوید «دولت عظیم کهنسال ساسانی در آن روزگاران فترت و نکبت چون سلیمان مرده‌ای بود که تکیه بر عصای افسانه‌ای ولی موربانه خورده خویش داشت و هر تندبادی... می‌توانست آن پیکر فرتوت بی‌رمق را خرد سازد و به مغاک هلاک بسپارد... و آنرا در زیر تجمل و نشئت و فسادی که آنرا از درون می‌خورد مدفون نماید... ضعف و فساد در همه ارکان روی داشت و دولت برومندکهن اینک روی به نکبت و ذبول آورده بود... حرص و تجمل چنگ انداخته بود و تمام مبانی حکومت را سست و ضعیف کرده بود...» آنگاه زرین کوب سخن را به «کلیله و دمنه می‌کشاند و مینویسد:

«تصویری دیگر شکایت تلخ و دردناک برزویه طیب است در مقدمه کلیله و دمنه که بی-شک قسمتی از احوال روحانی و اخلاقی اواخر عهد ساسانیان را روشن میکند. بدین بیان در این روزگار تیره که خیرات بر اطلاق روی به تراجم آورده است و همت مردان از تقدیم حسنات قاصر گشته... و کارهای زمانه میل به ادبار دارد و چنانستی که خیرات مردمان را وداع کردستی و افعال ستوده و اقوال پسندیده مدروس گشته و راه راست بسته و طریق ظلالت گشاده و عدل ناپیدا و جور ظاهر و علم متروک و جهل مطلوب و لوم و دثالت مستولی و کرم و مروت منزوی و دوستیها ضعیف و عداوتها قوی نیکمردان رنجور و مستذل و شیرمردان فارغ و محترم و مکرو خدعت بیدار و وفا و خیرت در خواب، دروغ مؤثر و مضر و راستی مهجور و مردود، حق منهزم و باطل مظفر و متابعت هوی سنت متبوع و ضایع گردانیدن احکام خرد طریق مشروع و مظلوم محق ذیل مظالم مبطل عزیز و حرص غالب و قناعت مغلوب و عالم غدار بدین معانی شادمان و بحصول این ابواب تازه و خندان...»

سپس زرین کوب چکیده مطلب را بدین صورت بیان کرده است:

«در سقوط ساسانیان در واقع وضع اخلاقی و دینی چنان بود که جز آن سقوط و جز آن شکست را کسی انتظار نمیداشت.»

چنانکه میدانید فردوسی هم در «شاهنامه» سخنانی بس بلند و خردمندانه درباره انحطاط و انقراض ساسانیان دارد که با این آیات آغاز میگردد:

چو بخت عرب بر عجم چیره شد	همی بخت ساسانیان تیره شد
همان زشت شد خوب و شد خوب، زشت	شده راه دوزخ پدید از بهشت
دگرگونه شد چرخ گردون به چهر	از آزادگان پاك بیرید مهر

و سپس از زبان دستم فرخ‌زاد مانده سیاه ایران برضد عرب، که در جنگ قادسیه بقتل رسید، در نامه‌ای به برادرش اوضاع و احوال ایران و ایرانیان را بدین قرار توصیف فرموده است:

که این خانه از پادشاهی تهی است نه هنگام پیروزی و فرهی است

چنین است گنثار و کردار نیست
 برنجد یکی دیگری بر خورد
 زمین بگردند از راستی
 پیاده شود مردم رزمجوی
 کشاورز و جنگی شود بسی هنر
 رباید همی این از آن آن از این
 نهانی بر، ز آشکارا شود
 بداندیش گردد پدر بر پسر
 به گیتی نماند کسی را وفا
 از ایران و از ترك و از تازیان
 نه دهقان نه ترك و نه تازی بود
 همه گنجها زیر دامن نهند
 زران کسان از پی سود خویش

بجز اختر کسوه، در کار نیست
 بداد و به بخشش کسی ننگرد
 گرمی شود کزی و کاستی
 سواز آن که لاف آرد و گفت گوی
 نژاد و بزرگی نیاید به بر
 ز نفرین ندانند باز آفرین
 دل مردمان سنگ خارا شود
 پسر همچنین بر پدر چاره گر
 روان و زبانها شود پرجفا
 نژادی پدید آید اندر میان
 سخنها به کردار بسازی بسود
 بکشند و کوشش بدشمن دهند
 بجویند و دین اندر آرند پیش

حالا آیا واقعا برزویه کتاب «کلیله و دمنه» را برای انتباه هموطنانش سرزمین ایران آورده است یا نه؟ سؤالی است که جواب دادن بدان کار آسانی نیست ولی در هر حال آشکار است که در موقع بسیار تاریخی آن کتاب را بایران آورد و انوشیروان آن همه برای آن کتاب و راهنمایان خردمندانه آن اهمیت قائل گردید. اگر زمامداران و کسانی که سر نوشت مالک و ملت در ید قدرت آنها بود به نصایح و تعلیمات آن عمل کرده بودند شاید میتوانستند که برای ایران و مردم ایران آینده روشن تری تدارک نمایند، اما افسوس که تاریخ بما نشان میدهد که هرگز پند و اندرز و نصیحت و راهنمایی دلیلی هیچ قسمی نبوده است و کم کم گروه بسیاری از مردم دنیا معتقد شده اند که «بردگشتی آنجا که خواهد خدا».

دو کتاب گرانقدر درباره «کلیله و دمنه»

اکنون ازین مقوله می گذریم و برمیگردیم به موضوع خودمان، خوشبختانه درباره کتاب «کلیله و دمنه» چنانکه مذکور افتاد دو کتاب مستطاب و گرانقدر بزبان فارسی در دسترس است که ما را در اینجا از تفصیل بیشتری مستغنی می نماید، یکی کتاب «درباره کلیله و دمنه» تاریخچه و ترجمه و دوباره ترجمه نشده از «کلیله و دمنه» نوشته استاد محمد جعفر محبوب که چاپ اول آن در تهران در سال ۱۳۳۶ هجری شمسی و چاپ دوم آن در همان شهر در سال ۱۳۴۹ (یونسکو شرکت سهامی انتشارات خوارزمی) بیچاپ رسیده است.

۱- یعنی یکی را میبرد و کار میکند و زحمت میکند و دیگری از نتیجه کار او برخوردار میگردد.

کتاب دوم عبارت است از «ترجمه کلیله و دمنه، انشای ابوالسعالی منشی، تصحیح و توضیح استاد مجتبی مینوی» که در تهران در سال ۱۳۴۳ هجری شمسی (انتشارات دانشگاه تهران، شماره ۹۲۵ هدیه دکتر یحیی مهدوی شماره ۱۷) بچاپ رسیده است.

محبوب که «از جستجوهای بسیار و تحمل سرگشتگیهای فراوان خود در مدت هفتده سال در راه تهیه این کتاب و ازکارهای تحقیقی خود و از آن جمله بدست آوردن نسخه سریانی و ترجمه آلمانی کلیله و دمنه» باجمال سخنرانده است درباره این کتاب چنین اظهار نظر کرده است: «پس از کتابهای آسمانی مقبولترین و موجهترین کتاب است در دنیا» و نیز افزوده است: «کلیله و دمنه قدیمترین کتابی است که در علم سیاست و آئین کشورداری در جهان نوشته شده و از بد حادثات مصون مانده و بدست ما رسیده است.» و سپس چنین آورده است: «و درسی نزدیک به سی قرن که از تألیف آن میگذرد هیچگاه و در نزد هیچ قوم و ملتی گرد فراموشی بر آن افشانده نشده و ترجمه‌های مختلف آن هرگز از دست نسلهای گوناگون افراد ملل نیفتاده است.» و نیز در همان مقدمه میخوانیم: «شرح و بیان کیفیت نفوذ و میزان تأیید این کتاب (کلیله و دمنه) در ادب هر ملت را کتابی جداگانه و تحقیقی دقیق و مستقل درخورد است.»

و نیز «ترجمه کننده معروفترین متهای آن (کلیله و دمنه) بزبانهای پهلوی و عربی و فارسی و معرفی کننده آن به محیط فضل و دانش قدیم و جدید همواره ایرانیان بوده اند.»

اما با تأثر درونی صادقانه باید اذعان نمائیم که جمله زیر نیز بقلم محبوب است در همان مقدمه: «با کمال تأسف امروز ایرانیان از این کتاب و سرگذشت دلپذیر و پرماجرایی آن و ارزش معنوی آن از غالب ملتهای متمدن دنیا کمتر آگاهی دارند.»

«کلیله و دمنه» تصحیح و توضیح شده مینوی بلاشک بهترین و کاملترین و جامعترین متنی است که تاکنون از ترجمه فارسی آن کتاب انتشار یافته و آشکار است که نتیجه زحمت و مطالعه و دقت و تحقیق فراوان است و عمری صرف این کار بسیار سودمند کرده اند چنانکه خود ایشان بدان اشاره میکنند آنجا که میخوانیم: «... پس از سی چهار سال بدین منظور (انتشار کلیله و دمنه) رسیدیم و این توفیق از برکات مداومت در تعقیب و کوشش مورچه وار من بود که موجب شد و سایل کار فراهم آید.»

مینوی در ضمن مقدمه خود نویدگرانهائی بخوانندگان داده اند بدین قرار: «در این تمهید مختصر چیزی در باب نکات صرف و نحوی و استعمال افعال و ضیغ خاص گفته نشد. اما تعلیقات مفصل و مقدمه ای مشروح نیست دارم بنویسم و همراه متن قطعی دو برابر کتاب حاضر منتشر کنم.»

ما آمین میگوئیم و توفیق ایشان را خواستاریم و امیدواریم چشمان باین متن قطعی بزودی روشن گردد.

ژنو اول شهریور ۱۳۵۲

۱ - مقصود تاریخ تألیف کتاب «کلیله و دمنه» است در هندوستان، چندین قرن قبل از رسیدن آن به ایران.